

۱

مدرسه‌ی خیال‌باها



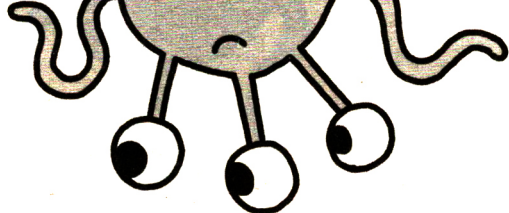
معلم‌ها فضایی

موقع نوشتن این
کتاب، فضایی‌ها
هیچ‌کدام از
معلم‌های واقعی را
اذیت نکردند.

پملا بوچرت

تصویرگر: توماس فلینتم
مترجم: اختر اعتمادی

هویا
Hoops



مامان من تعریف کند، چون مامان **هیچ وقت** سر زک داد نمی زند یا به او نمی گوید از خودش درآورده. یک بار، از مامان پرسیدم که چرا آن موقع که بابا خواب بود و من و زک کله اش را نقاشی کردیم، او فقط سر من داد زد، نه سر زک. گفت: «من که مامان زک نیستم، **مامان تو هستم**، پس **می تو نم** سر تو داد بزنم!»

زک **اتفاق** توی مدرسه را برای مامان من تعریف کرد. حدس بزنید چی شد؟ مامان من تلفن زد به مامان او و **مامانش** آمد بالا و سرش داد کشید. درست همین جا توی اتاق نشیمن ما، جلوی روی من و مامانم و بابایم و همه. ترسیدم سر من هم داد بکشد. اما بعد قانون داد کشیدن مامان ها یادم آمد

